



نام کتاب : فتوای علما بابت پیوند اعضا



کاری از: محمد مهدی حاجی پروانه

منبع: دانستیهای زندگی



در این قسمت فتواهای برخی از مراجع عظام در مورد مرگ مغزی و پیوند اعضا ذکر می شود. (1)

1. امام خمینی

پس از عرض سلام با کمال احترام به عرض می رساند:

امروز در دنیا مسئله مرگ مغزی پذیرفته شده است و در صورتی که در فردی با کمک معاینات و آزمایشات مخصوصی مرگ مغز مسلم شود زندگی او خاتمه یافته تلقی می شود و ادامه موقت زندگی نباتی چنین فردی به کمک دستگاه تنفس مصنوعی و داروها میسر است و از اعضای نظیر قلب و کبد این افراد برای پیوند به بیماران و نجات جان آنان استفاده می شود. لطفاً نظر مبارك را در مورد انجام چنین اعمال جراحی و برداشتن اعضای افراد با مرگ مسلم مغزی بیان فرمایید.

بر فرض مذکور چنان چه حیات انسان دیگری متوقف بر این باشد، با اجازه صاحب قلب یا کبد و امثال آن جایز است. (1)

اگر میتی مشکوک باشد که مسلم است یا کافر و راهی برای حکم به اسلام او نباشد، تشریح آن جایز است یا خیر؟
مانع ندارد.

من يك شوهری دارم که بینایی خود را از دست داده است، آیا می توانم يك چشم خودم را به او تقدیم کنم؟ زیرا او دوست دارد در این انقلاب بزرگ نقشی داشته باشد و در راه انقلاب کوشش نماید.

در فرض مرقوم جایز نیست.

آیا برداشتن چشم از افراد متوفای مجهول الهوية که در کشور اسلامی در میان سردخانه های بیمارستان مدتی نگه داری می شوند و بازماندگان و اقوام آن ها به سراغ اجساد نمی آیند و پیوند زدن (قرنیه) قسمتی از چشم آن ها با چشم بیمارانی که نیاز به این نوع عمل جراحی دارند اشکال دارد یا خیر؟

اگر کفر او احراز نشده جایز نیست.

معمول است اشخاصی که کلیه ها یا سایر اعضای آن ها فاسد می شود، دیگری، آن عضو از بدن خود را به آن شخص اعطا می کند، آیا شرعاً شخص می تواند يك کلیه یا يك چشم یا عضو دیگری را که دو تا هست به دیگری اعطا نماید یا خیر؟

اگر حیات دیگری منوط به آن باشد و خطر جانی متوجه اعطا کننده نشود اشکال ندارد. نظر به نیاز بیماران به پیوند اعضا، به خصوص کلیه، نظر حضرت عالی چیست؟ اگر بیمار در خطر جانی باشد پیوند برای حفظ جان مسلمان مانع ندارد و تا از بدن غیرمسلمان ممکن است عضو مورد نیاز برداشته شود، از مسلمان جایز نیست. جراحی غددی که در بدن می باشد و ضرری هم ندارد شرعاً چگونه است؟ جراحی بینی و یا گوش جهت زیبایی شرعاً چه حکمی دارد؟ مانع ندارد.

قطع عضوی از میت جهت پیوند عضو به شخصی زنده در صورتی که میت مسلمان باشد جایز نیست، مگر این که حیات شخص زنده متوقف بر آن باشد و اما اگر حیات عضو او متوقف بر پیوند باشد ظاهراً جایز نمی باشد، پس اگر آن را قطع کند گناه کرده و بر او دیه می باشد. این در صورتی است که قطع آن را اذن ندهد و اما اگر در آن اذن دهد در جواز آن اشکال است، لیکن بعد از اجازه دیه بر او نیست، اگر چه قائل به حرمت آن شویم و اگر میت اذن نداده باشد، آیا اولیای او حق دارند اجازه برداشت عضو بدهند یا نه؟ ظاهر آن است که چنین حقی ندارند، پس اگر به اذن اولیای میت عضو او را قطع کند معصیت کرده و بر او دیه می باشد.

قطع عضو میت غیرمسلمان برای پیوند زدن مانعی ندارد، لیکن بعد از آن، اشکال در نجاست آن واقع می شود و این که میته است و نماز در آن صحیح نیست و ممکن است گفته شود در جایی که حیات در آن حلول نماید از عضویت میت خارج می شود و عضو زنده می گردد، پس پاك و زنده می شود و نماز در آن صحیح است، و هم چنین اگر عضوی از حیوان قطع شود ولو نجس العین باشد و پیوند شود، پس به حیات مسلمان زنده می شود.

اگر به جواز قطع و پیوند با اذن صاحب عضو در زمان حیاتش قائل شویم ظاهر آن است که بیع آن جایز می باشد تا بعد از مرگش از آن استفاده شود، و اگر به جواز اذن اولیای میت قائل شویم نیز جواز فروش آن جهت استفاده از آن بعید نیست. در این صورت باید ثمن را برای خود میت خرج کرد و با آن یا دین او را ادا کرد و یا از طرف میت در خیرات مصرف کرد و وارث حقی در آن ندارد.

اگر حفظ جان مسلمانی موقوف باشد بر پیوند عضوی از اعضای میت مسلمانی، جایز است قطع آن عضو و پیوند آن و بعید نیست دیه داشته باشد و آیا دیه بر قطع کننده است

یا بر مریض محل اشکال است، لکن طبیب می تواند با مریض قرار دهد که او دیه را بدهد و اگر حفظ عضوی از مسلمان موقوف باشد بر قطع عضو میت در این صورت بعید نیست جایز نباشد و اگر قطع کند دیه دارد، لکن اگر میت در حال زندگی اجازه داد ظاهراً دیه ندارد، لکن جواز شرعی آن محل اشکال است و اگر خود او اجازه نداد، اولیای او بعد از مرگش نمی توانند اجازه بدهند و دیه از قطع کننده ساقط نمی شود و معصیت کار است.

قطع عضو میت غیرمسلمان برای پیوند، حرام نیست و دیه ندارد، لکن اگر پیوند کرد اشکال در نجاست آن و میت بودن آن برای نماز واقع می شود، اگر میت انسان در نماز اشکال داشته باشد. بنابراین اشکال در میت مسلمان نیز هست و اشکال نجاست اگر قبل از غسل قطع نمایند نیز هست، لکن می توان گفت که اگر عضو میت پس از پیوند حیات پیدا کند از عضویت میت می افتد و به عضویت زنده در می آید و نجس و میت نیست، بلکه اگر عضو حیوان نجس العین نیز پیوند شود و زنده به حیات انسان شود از عضویت حیوان خارج و به عضویت انسان در می آید.

اگر قطع عضو را بعد از مردن جایز دانستیم، بعید نیست که در حال حیات فروش آن جایز باشد و انسان بتواند اعضای خودش را برای پیوند بفروشد در مواردی که قطع جایز است، بلکه جواز فروش تمام جسم برای تشریح در موردی که جایز است، خیلی بعید نیست، اگر چه بی اشکال نیست، لکن گرفتن مبلغی برای اجازه دادن در مورد جواز مانع ندارد. (1)

2. آیت الله محمدتقی بهجت

تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیرقابل بازگشت و غیرقابل جبران، فعالیت های قشر مغز خود را از دست داده، در حالت اغمای کامل بوده و به تحریکات داخلی و خارجی پاسخ نمی دهند، ضمناً فعالیت های ساقه مغز خود را نیز از دست داده، فاقد تنفس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می باشند. در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت های مورد اشاره مطلقاً وجود نداشته، بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده که ادامه این ضربان هم موقتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدت چند ساعت و حداکثر چند روز مقدور می باشد. این وضعیت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده می شود. از طرفی نجات جان عده دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است. با عنایت به این که این اشخاص فاقد تنفس، شعور، احساس و

حرکت ارادی هستند و هیچ گاه حیات خود را باز نمی یابند، مستدعی است ارشاد فرمایید (لطفاً با اشاره اجمالی به دلیل):

1- آیا در صورت احراز شرایط فوق می توان از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟ آیا صرف ضرورت نجات جان مسلمانان نیازمند پیوند عضو برای جواز قطع عضو، کافی است یا اذن قبلی و وصیت صاحب عضو نیز لازم است؟ آیا اطرافیان میت می توانند پس از مرگ چنین اجازه ای بدهند؟

در صورت توقف حیات مریضهایی بر این کار، با احتیاط در استیذان از ورثه و استیذان از حاکم شرع، و تحقق موت حقیقی اشکال ندارد و صرف موت مغزی کفایت نمی کند.

2- آیا انسان می تواند در زمان حیات خود با امضای کارتی رضایت خود را برای برداشت اعضای بدنش در صورت عارضه مرگ مغزی جهت پیوند به انسان های مسلمان نیازمند اعلام نماید؟

حکم در مورد مرگ مغزی گذشت که موت حقیقی و استیذان لازم است.

3- آیا در موارد جواز قطع اعضا دبه ثابت است یا ساقط می شود؟ در صورت ثبوت دبه، پرداخت آن برعهده کیست؟ پزشک یا بیمار؟ موارد مصرف دبه مذکور کدام است؟ در تقدیر جواز هم، دبه یا ارش ثابت است و دبه قطع اعضا میت صرف در خیرات می شود و بر کسی ثابت است که قطع کرده است.

اگر شخصی بخواهد عضوی از اعضای بدن خود؛ مثلاً کلیه را به دیگری بدهد و یا وصیت کند که بعد از مردن خود، آن عضو در مقابل پول یا مجانی برداشته و به دیگری داده شود، در صورتی که نجات مسلمانان متوقف بر آن عضو باشد؛ یعنی راه نجات آن مسلمان منحصر در دادن عضو به او باشد و تهیه آن از غیرمسلمان هم ممکن نباشد اشکالی ندارد. (1)

3. آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی

تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیرقابل بازگشت و غیرقابل جبران، فعالیت های قشر مغز خود را از دست داده، در حالت اغمای کامل بوده و به تحریکات داخلی و خارجی پاسخ نمی دهند، ضمناً فعالیت های ساقه مغز خود را نیز از دست داده، فاقد تنفس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می باشند، در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت های مورد اشاره مطلقاً وجود نداشته، بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده که

ادامه این ضربان هم موقتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدت چند ساعت و حداکثر چند روز مقدور می باشد. این وضعیت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده می شود. از طرفی نجات جان عده دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است. با عنایت به این که این اشخاص فاقد تنفس، شعور، احساس و حرکت ارادی هستند و هیچ گاه حیات خود را باز نمی یابند، مستدعی است ارشاد فرمایید (لطفاً با اشاره اجمالی به دلیل):

1- آیا در صورت احراز شرایط فوق می توان از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟

2- آیا صرف ضرورت نجات جان مسلمانان نیازمند، پیوند عضو برای جواز قطع عضو، کافی است یا اذن قبلی و وصیت صاحب عضو نیز لازم است؟

3- آیا اطرافیان میت می توانند پس از مرگ چنین اجازه ای بدهند؟

4- آیا انسان می تواند در زمان حیات خود با امضای کارتی رضایت خود را برای برداشت اعضای بدنش در صورت عارضه مرگ مغزی جهت پیوند به انسان های مسلمان نیازمند اعلام نماید؟

5- آیا در موارد جواز قطع اعضا دیه ثابت است یا ساقط می شود؟

6- در صورت ثبوت دیه، پرداخت آن برعهده کیست؟ پزشک یا بیمار؟

7- موارد مصرف دیه مذکور کدام است؟

قطع اعضای مسلمان مبتلا به مرگ مغزی و پیوند زدن آن به بدن شخص دیگر اشکال دارد و اذن صاحب عضو در زمان حیات و اعلام رضای او اثری در حکم ندارد، و وصیت به امر مزبور نافذ نیست و اولیای میت چنین حقی ندارند که اجازه قطع اعضای او را بدهند و در صورت قطع اعضای مبتلا به مرگ مغزی دیه آن بر قطع کننده است و به حسب سهام ارث بین ورثه میت تقسیم می شود.

یری الاطباء ان الموت يتحقق بموت القوة العاقلة، حتى لو كان القلب لم يتوقف تماماً عن النبض والحركة - كما في حالة ذبح الشاة مثلاً - اما العرف المسامحي فيرى تحققه بتوقف القلب عن النبض و الخفقان والحركة ومع كل ذلك فلو التفت العرف هذا الى ما يقوله الاطباء علمياً كما في المثال الأنف الذكر، فلربما حكم بحكمهم، فيماذا يتحقق الموت؟

الميزان فى ترتب احكام الموت زهوق الروح و بقاء الانسان او الحيوان جسداً محضاً، و قد عين فى الروايات لذلك علامات و مجرد موت القوة العاقلة لايوجب ترتب احكام الميت، والله العالم.

فى حالة اثبات وفاة المريض طبيياً فهل يجوز اغلاق اجهزة التنفس الصناعى التى توزع الا وكسيجن فى جثة المتوفى؟
الموت الطبى ليس ملاكاً وإنما المعتبر الموت العرفى فلايجوز التعجيل فى اماتته، والله العالم.

هل يجوز للطبيب اجراء عمليّة نقل كلية من شخص الى آخر، اذا علم بانّ المتبرع قد تقاضى اجراً فى مقابل تبرّعه؟
اذا جاز للشخص اعطاء كليته، كما فى صورة الاضطرار، او كون المعطى كافراً، فلا بأس، والله العالم.

فى حالة وجود شخص ميت و شخص آخر مريض، يواجه الموت سبب فشل فى احد اعضائه الرئيسيه مثل القلب فهل يجوز او يجب نقل العضو المطلوب من الميت الى المريض؟

لايجوز ذلك الا اذا كان الميت غير مسلم، والله العالم.
فى اي سن يجوز للشخص التبرّع باحدى كليته و هل يجوز لغير البالغ التبرّع لاحد اقرار به بموافقة وليّ امره؟

التبرّع فيه اشكالٌ ولا يبعد عدم الجواز مطلقاً، والله العالم.(1)

4. آيتالله سيدمحسن طباطبائى حكيم(1)

پيوند بعضى از اجزای بدن میت به بدن انسان زنده چنان چه ضرورت اقتضا کند، مانعى ندارد.

اگر جزئی از اجزای میت به ظاهر بدن انسان زنده وصل شود، چنان چه حیات در آن دمیده باشد جزء بدن انسان محسوب است و قبل از حلول حیات، چون مضطر است در حمل آن در حال نماز، احکام ضرورت بر آن جاری است.

اگر جزئی از حیوان نجس العین را، مانند روده سگ به روده انسان زنده وصل کنند در صورتی که بیمار مضطر به چنین عملی باشد مانعى ندارد.

جدا نمودن بعضی از اجزای بدن مسلمان محتضر (یعنی کسی که در حال جان کندن است) و وصل آن به بدن انسان زنده، حرام است و دیه دارد. اگر کسی وصیت کند که پس از مرگ مثلاً چشم مرا جدا کنید و به دیگری دهید عمل به وصیت عیبی ندارد، لکن ادعای موصی له قبول نمی شود، مگر آن که از دعوی او علم حاصل شود.

5. آیتالله خامنه ای

احتراماً معروض می دارد تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیرقابل بازگشت و غیرقابل جبران، فعالیت های قشر مغز خود را از دست داده، در حالت اغمای کامل بوده و به تحریکات داخلی و خارجی پاسخ نمی دهند، ضمناً فعالیت های ساقه مغز خود را نیز از دست داده، فاقد تنفس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می باشند. در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت های مورد اشاره مطلقاً وجود نداشته، بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده که ادامه این ضربان هم موقتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدت چند ساعت و حداکثر چند روز مقدور می باشد. این وضعیت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده می شود. از طرفی نجات جان عده دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است.

با عنایت به این که به طور خلاصه بیماران با مرگ مغزی فاقد تنفس، شعور، احساس و حرکت ارادی می باشند و هیچ گاه حیات خود را باز نمی یابند، مستدعی است ارشاد فرمایید، آیا در صورت احراز شرایط فوق می توان از اعضای بیمار مبتلا به مرگ مغزی برای نجات جان بیماران دیگر استفاده نمود؟

در فرض سؤال، استفاده از اعضای بدن موصوف، در صورتی که نجات نفس محترمه ای متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد. (1)

مستدعی است پاسخ چند سؤال فقهی زیر که در پزشکی مبتلا به می باشد، مرقوم فرمایید.

امواجی که بر روی نوار ثبت می شود دال بر فعالیت مغز یا قلب می باشند با توجه به این که می تواند امواج مغزی وجود نداشته باشد و قلب انسان با کمک دستگاه های مصنوعی فعالیت داشته باشد، سؤال این است که:

1- آیا نداشتن امواج مغزی دال بر مرگ است یا نداشتن امواج قلبی؟

2- در حالت اغمای بدون برگشت که مغز به طور کلی مرده است و حرکات قلبی، عروقی و تنفسی به کمک دستگاہ‌ها و داروها نگه داری می‌شود، بنابر این که پیوند اعضای بدن مباح باشد، آیا جدا کردن عضوی مثل قلب از بدن شخص در این حالت برای پیوند به شخص دیگر جایز است؟

3- آیا جدا کردن عضو در این حالت، جدا کردن عضو از انسان زنده محسوب می‌شود یا از بدن مرده؟

4- چه زمانی احکام میت مانند ارث، وصیت، عده وفات در مورد زوجه و ... بر او جاری می‌شود؟ از زمان مرگ مغزی یا از زمان جدا کردن دستگاہ‌های مذکور و توقف قلب؟

تشخیص مفهوم مرگ هم، مثل سایر موضوعات عرفیه با عرف است نه ملاحظه امواج فوق الذکر و عرف تا حسّ و حرکتی در شخص باشد او را مرده نمی‌بیند؛ بلی جدا کردن عضو از انسان برای پیوند در مورد جواز، تابع صدق میت نیست و اگر نجات نفس محترمه از مرگ موقوف باشد بر جدا کردن عضو در این حال و پیوند به او و با شرایط معتبره دیگر جایز است، هر چند احکام میت از ارث و غیره در این حال مترتب نمی‌شود. (1)

بیماران با مرگ مغزی فاقد تنفس، شعور، احساس و حرکت ارادی هستند، ولی دارای ضربان خودکار قلب موقتی می‌باشند، آیا می‌توان از اعضای این بیماران برای نجات جان سایر بیماران استفاده نمود؟ آیا اجازه قلبی بیمار یا اولیای او شرط است؟

اگر این کار در مردن او اثر ندارد، با اجازه قلبی خود بیمار یا اولیای او اشکال ندارد.

در صورتی که در اثر وقوع بیماری لاعلاج و پیش‌رونده از نظر پزشکان مرگ حتمی قریب باشد، آیا می‌توان از اعضای بدن بیمار نظیر قلب، کلیه و کبد برای پیوند به بیماران و نجات جان آنان استفاده نمود؟

اگر هنوز نمرده و قطع اعضای مزبور بر زنده واقع می‌شود اشکال دارد؛ بلی اگر عرفاً مرده به حساب آید با شرایط معتبره مانع ندارد.

در صحنه جنگ مسلمانان با کفار، در صورتی که حیات رزمنده مسلمان متوقف بر پیوند اعضا باشد، آیا می‌توان اعضای میت غیرمسلمان را قطع و برای پیوند استفاده نمود؟

بفرض جواز آیا در این صورت دیه لازم است یا نه؟ و بر عهده بیمار است یا قطع‌کننده؟ آیا عضو پیوند شده برای نماز اشکال ایجاد نمی‌کند؟

قطع عضو میت غیرمسلمان و پیوند آن مانع ندارد و دیه ندارد و پس از پیوند به مسلمان حکم عضو مسلمان را پیدا می‌کند.

بعضی از افراد برای کمک به درمان بیماری‌هایی که نیاز به فرآورده های خونی یا اعضای بدن دارند حاضر می شوند که خون یا مثلاً کلیه یا چشم خود را بفروشند، این موضوع چه حکمی دارد؟

اگر برای خود آن‌ها ضرر لازم‌المراعات نداشته باشد، مانع ندارد. خرید و فروش اعضا برای پیوند در این که عضو مورد اشاره يك کلیه یا يك چشم باشد فرقی نمی کند؟ فرقی ندارد، بلی جواز اعطای کلیه در فرض توقّف حیات مؤمنی بر آن، بی اشکال است. (1)

تزریق خون به دستور پزشك از زن به مرد یا بالعکس و یا از کافر به مسلمان چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد. (1)

در صورتی که عضو یا اندام بیرونی، مانند دست و پای فرد غیرهم جنسی را به کسی پیوند زنند آیا لمس آن قسمت توسط فرد اشکال دارد؟

اگر عضو او شده لمس آن برای او مانع ندارد. (1)

شخصی که اجازه تشریح و پیوند اعضای بدن خود را نداده، آیا بعد از مرگش اولیای او می توانند اجازه بدهند؟

اگر جدا کردن بعضی اعضا از بدن میت موجب مثله یا هتك میت نشود مانع ندارد.

شخصی که وصیت به تشریح و پیوند اعضای بدن خود را کرده؛ آیا بعد از (1) مرگش اولیای او می توانند اجازه چنین کاری را ندهند؟

احتیاط آن است که بدون اجازه عمل نکنند، مگر در موارد ضرورت لازم‌المراعات.

6. آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

کالبد شکافی که در ساعات آخر حیات پس از فوت مغزی، قبل از فوت قلبی، اعضایی از شخص را برای استفاده در علاج احیاء بر می دارد با توجه به ضرورت علاج احیاء جایز است یا نه؟ و با وصیت قبلی خود شخص چه حکمی دارد؟ لطفاً اشاره اجمالی به دلیل.

واین عمل برای کشف جرم با اذن اولیای میت جایز است یا نه؟

اصل عمل کالبد شکافی بدون ضرورت شرعیه جایز نیست و نیز برداشتن عضوی برای علاج زندگان بدون وصیت، ولی با وصیت صاحب جسد در حیات خود به هر مقدار که وصیت

به آن واقع شد جایز است و وجه جواز، دفع منافات ناشی از لزوم احترام مسلم میت آن مانند حی است با اذن مستفاد از وصیت. (1)

آیا وصیت قبلی مسلمان در زمان حیات در مورد استفاده از بدن او برای تشریح یا استفاده از بعضی اعضای او مانند کلیه، قلب و چشم اثری در حکم جواز و رفع دیه دارد یا نه؟ (لطفاً با اشاره اجمالی به دلیل).

وصیت اثر در جواز و رفع دیه هر دو دارد، زیرا دو حکم نام برده به لحاظ احترام مسلم است و در فرض وصیت ارتکاب خلاف احترام او صورت نگرفته.

خرید و فروش اعضای آدم زنده برای پیوند؛ مانند يك کلیه و يك چشم و خون چه حکمی دارد؟

جایز است و مانعی ندارد، ولی اعضای رئیسه مثل چشم را نمی توان فروخت.

در مورد محکومین به اعدام در دادگاه شرع، آیا حاکم شرع می تواند به لحاظ مصلحت تخفیف کیفر محکوم را موکول به اهدای عضوی برای نجات مسلمانی از مرگ نماید یا نه؟

البته مراد موارد حدود الهی است نه موارد قصاص های اشخاص؟

در صورتی که موجب حد آن محکوم به بینة ثابت شده قابل اسقاط و اعفا نیست و در صورتی که به اقرار او ثابت شده حاکم شرع می تواند عفو کند.

استفاده از باقیمانده زایمانی، مانند جفت و پرده جنین برای اعمال جراحی دیگران جایز است یا نه؟

جایز است و مانعی ندارد.

آیا جایز است از استخوان های مکشوفه در مقابر مسلمین برای تعلیم و تعلّم و احیاناً برای علاج احیا استفاده کرد؟

مانعی ندارد. (1)

جایز نیست بدن مرده مسلمان را تشریح کرد و اگر تشریح کنند برگردن تشریح کننده دیه لازم می شود به طوری که تفصیل آن را در کتاب دیات بیان کرده ایم.

جایز است بدن مرده کافر را تشریح کرد به تمام انواع تشریح و همین طور است اگر مرده ای اسلام او مشکوک باشد و فرق نمی کند که تشریح بدن کافر یا مشکوک الاسلام در بلاد اسلامی بوده باشد یا غیر اسلامی.

اگر زنده مانند يك مسلمانی متوقف باشد بر تشریح بدن مرده مسلمانی، و تشریح بدن غیرمسلمان، و یا مشکوک الاسلام ممکن نباشد و راه دیگری برای زنده نگه داشتن آن

مرد مسلمان نباشد، در این صورت جایز است که بدن مرده مسلمان را تشریح کنند و نسبت به لزوم پرداخت دیه در چنین صورتی در باب دیات ذکر شده است. جایز نیست بریدن عضوی از اعضای بدن مرده مسلمان مانند چشم و یا عضو دیگر به منظور پیوند زدن آن عضو به بدن شخص زنده دیگر، و قطع کننده ملزم به پرداخت دیه آن عضو به ورثه مرده می باشد، ولی چنان چه زنده ماندن فردی مسلمان متوقف بر بریدن عضو بدن مرده مسلمان و پیوند به شخص زنده گردد، جایز است بریدن آن عضو ولی قطع کننده باید دیه آن را بپردازد، و در هر دو صورت پیوند زدن عضو قطع شده به بدن دیگری اشکال ندارد و پس از پیوند چون جزء بدن شخص زنده می گردد، احکام بدن زنده بر او جاری است

و ظاهر این است که جایز باشد شخصی در حال حیات خود وصیت کند که پس از مردن او عضوی از اعضای او را قطع کنند و به دیگری پیوند زنند و در این صورت بریدن عضو آن میت دیه ندارد.

اگر شخصی راضی شود که در حال حیات خود عضوی از اعضای او را بریده و به دیگری پیوند زنند، چنان چه عضوی که به رضایت خود او بریده می شود از اعضای رئیسه باشد که بریدن آن صدمه ای به حیات او می زند و یا نقص و عیبی در او ایجاد می کند، بریدن آن عضو جایز نیست و اگر با بریدن آن عضو ضرر و عیبی بر او وارد نمی شود، مانند بریدن مقداری از پوست و یا گوشت ران که جای آن روئیده می شود، در این صورت بریدن آن عضو به رضایت خود او جایز است و می تواند برای بریدن آن عضو مبلغی نیز دریافت کند. جایز است تبرع کردن خون به بیمارانی که احتیاج به تزریق خون دارند و جایز است گرفتن مبلغی در مقابل دادن خون، ولی در هر دو صورت باید دادن خون برای صاحب آن ضرر جانی نداشته باشد.

جایز است بریدن عضوی از بدن مرده کافر و یا مشكوك الاسلام به منظور پیوند آن به بدن شخص مسلمان و پس از پیوند چون جزء بدن مسلمان می شود، احکام بدن مسلمان بر او جاری است و همین طور جایز است عضوی از اعضای بدن حیوان نجس العین را به بدن شخص مسلمان پیوند زد و چون پس از پیوند جزء بدن مسلمان می گردد احکام بدن مسلمان بر آن عضو جاری است و نماز خواندن با آن عضو نیز جایز است.(1)

7. آیت الله صافی گلپایگانی

اگر جسدی مجهول الهویه که اعضای قابل پیوندی داشت، در دست رس باشد آیا می توان این اعضا را به بیماری که محتاج است، پیوند زد؟

اگر جسد کافر باشد اشکال ندارد و نسبت به جسد مسلم در صورتی که جسد کافر در دست رس نباشد و حفظ نفس مسلمانی دیگر بر آن توقف داشته باشد، حکم به جواز خصوصاً به اذن مجتهد جامع الشرایط قابل توجیه است، ولی دیه آن ساقط نمی شود.

در فرض مسئله فوق در مواردی که نجات جان بیمار مسلمانی وابسته به پیوند يك یا چند عضو از شخص دیگری باشد، لطفاً بفرمایید اگر بعداً وليّ متوفّا پیدا شود و از این کار ناراضی باشد چه باید کرد؟

در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن، اگر آن را قابل توجیه دانستیم عدم رضایت وليّ مضرّ نیست.

اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش، اعضای قابل پیوندش را به بیماران پیوند زنند، آیا مجاز به این کار هستیم؟

در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن، جواز قابل توجیه است والاّ وصیت شخص مجوّز نیست.

اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش، اعضایش را به دیگران پیوند زنند، اماّ وليّ وی پس از مرگش از این کار ناراضی باشد، آیا مجازیم این کار را بدون اجازه وليّ انجام دهیم؟ جواز فقط در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن قابل توجیه است.

اگر شخصی از پیوند اعضای خود به دیگران پس از مرگش ناراضی باشد، ولی پس از وفاتش وليّ وی مایل به این کار باشد، آیا می توانیم چنین کاری انجام دهیم؟ از جواب پرسش های قبل جواب این سؤال هم معلوم می شود.

اگر شخصی در طول زندگی نظر مخالف یا موافقی در مورد پیوند اعضایش نداشت؛ آیا پس از مرگش می توان به اجازه وليّ وی چنین کاری را انجام داد؟ از جواب های قبل جواب این سؤال هم معلوم می شود.

آیا برداشتن عضو از بدن فرد زنده جهت پیوند مستلزم پرداخت دیه می باشد؟ بدون درخواست او دیه دارد و با درخواست خودش اثبات دیه محلّ تأمل است و اماّ حکم تکلیفی از جواب سایر مسائل معلوم می شود.

اگر احتمال بدهیم با برداشتن يك یا چند عضو از شخصی که زنده است در آینده نزدیک یا دور، وی دچار عوارض خفیف یا شدید خواهد شد و از طرفی نجات جان بیمار دیگری

وابسته به همین کار باشد و مورد دیگری نیز در دست رس نباشد، آیا مجازیم بدون آگاهی دادن شخص پیوند دهنده، چنین کاری را انجام دهیم؟ اگر به وی اطلاع بدهیم و با تمایل وی عضو پیوندی را از بدنش خارج کنیم، در صورت ایجاد عارضه در وی، آیا پزشك مسئول است؟

بدون آگاهی او مسلماً جایز نیست و با آگاهی و اذن او و توقف حفظ جان بیمار جواز قابل توجیه است، ولی با احتمال خطر جانی، حرام و با عارضه شدید برای خود شخص، حکم به جواز مشکل است.

اگر مطمئن باشیم و یا احتمال دهیم که این پیوند رد خواهد شد و نهایتاً مفید نخواهد بود آیا مجازیم با خوش بینی و به عنوان کمک به بیمار از بدن فرد زنده یا مرده دیگری عضوی را جدا و به آن بیمار پیوند بزنیم؟

با اطمینان به عدم فایده جایز نیست و با احتمال عقلایی در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن قابل توجیه و بررسی است.

با توجه به این که بعد از پیوند، شیمی درمانی ضروری به نظر می رسد و همین عمل باعث عوارض خفیف تا شدید در بیمار می گردد، آیا پزشکی که مجبور به انجام این کار جهت عدم ردّ پیوند می باشد در ایجاد عوارض آن مسئول است؟ اگر عنوان درمان و معالجه دارد اشکال ندارد.

آیا می توان اعضای شخصی را که دچار مرگ مغزی شده است و از لحاظ پزشکی امیدی به زنده ماندن وی نیست، ولی برخی اعضایش مثل قلب وی برای مدتی هنوز کار می کنند، به بیماری که محتاج است پیوند زد؛ با توجه به این که اگر صبر نماییم ممکن است دیگر اعضایش قابل پیوند نباشند؟

اگر سبب تسریع در مرگ یا شدت بیماری او می شود جایز نیست و بدون آن هم، چون کسب اجازه از بیمار ممکن نیست جایز نمی باشد.

آیا برای شخص جایز است که اجازه دهد در حال حیات یا پس از مرگ بعضی اعضای او که حفظ نفس بیماری بر آن متوقف نیست از قبیل انگشت، دست، قرنیه چشم و ... را در مقابل وجه یا مجاناً به دیگری پیوند زنند؟ جایز نیست.

آیا می توان از اعضای بدن خوك به انسان پیوند زد؟ ظاهراً اشکالی ندارد، چون بعد از پیوند جزء بدن انسان محسوب می شود.

اگر ندانیم جسدی که در اختیار ما است جسد يك مسلمان است یا کافر، آیا مجازیم آن را تشریح نماییم؟

دایر مدار این است که میت در چه محلی باشد اگر در دارالاسلام و بلاد مسلمین است محکوم به اسلام است و تشریح آن بدون ضرورت جایز نیست.

شخصی که در اثر آسیب مغزی درك، شعور، شنوایی، بینایی و حس خود را از دست داده فقط قلب او می زند و حرکت می کند بفرمایید:

- 1- آیا چنین شخصی از نظر احکام اسلام زنده است یا خیر؟
 - 2- آیا کسی این شخص را در این شرایط بکشد باید دیه کامل بپردازد؟
 - 3- اگر برداشتن عضوی از اعضای وی در حال و شرایطی که جایز باشد، منوط به پس از مرگ وی باشد، در چنین وضعی می توان اقدام به عضوپرداری از او نمود؟
 - 4- در صورتی که با صرف هزینه های بسیار سنگین چنین بیماری را بتوان برای مدتی زنده نگاه داشت، آیا انجام این کار واجب است؟(1)
 - 5- در صورت واجب بودن تا چه مقدار از اموال وی را باید صرف این کار نمود، و آیا اجازه وارث این شخص شرط است یا خیر؟ در صورت داشتن وارث صغار چه باید کرد؟
 - 6- در صورتی که اموال این بیمار برای چنین هزینه ای کافی نباشد چه باید نمود؟
 - 7- آیا می توان این بیمار را به همان حال باقی نهاد تا قلب او هم از کار بیفتد؟
- به طور کلی میزان در حکم به مرگ و ترتب احکام موت و میت بر شخص، دایر مدار زهاق (خارج شدن) روح و حکم عرف به زهاق روح و مرگ او است و مادام که عرف حکم نمی کند و او را زنده می گویند تمام احکامی که بر آن مترتب بود شرعاً مترتب است، حتی دیه و قصاص؛ بلی اگر برحسب عرف موت ثابت و مسلم باشد، ولی پزشك احتمال حیات او را بدهد هر عملی که موجب قتل بشود نسبت به او جایز نیست، ولی اگر کسی در این فرض مرتکب قتل شود حکم به قصاص نمی شود و وجوب صرف مال یا عدم وجوب آن نیز دایر مدار حکم عرف به حیات یا موت او است و در مسئله تفصیل دیگری نیز هست که در این جا به همین مقدار اکتفا می شود.(1)

8 . آیت الله یوسف صانعی

تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیرقابل بازگشت و غیرقابل جبران، فعالیت های قشر مغز خود را از دست داده، در حالت اغمای کامل بوده و به تحریکات داخلی و خارجی

پاسخ نمی دهند، ضمناً فعالیت های ساقه مغز خود را نیز از دست داده، فاقد تنفس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می باشند؛ در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت های مورد اشاره مطلقاً وجود نداشته، بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده که ادامه این ضربان هم موقتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدت چند ساعت و حداکثر چند روز مقدور می باشد. این وضعیت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده می شود. از طرفی نجات جان عده دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است. با عنایت به این که این اشخاص فاقد تنفس، شعور، احساس و حرکت ارادی هستند و هیچ گاه حیات خود را باز نمی یابند، مستدعی است ارشاد فرمایید (لطفاً با اشاره اجمالی به دلیل):

1- آیا در صورت احراز شرایط فوق می توان از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟

اگر مرگ مغزی مسلمان به نحوی که در سؤال ذکر شده، محرز گردد (هرچند احرازش به نظر عده ای از دانشمندان مشکل است) یعنی حرکت قلب او مانند حرکت حیوان بعد از ذبح و سر بریدن یا حرکت جنین مرده بعد از خروج از رحم باشد، قطع اعضای او برای پیوند فی حدّ نفسه با توجه به مسئله اذن اولیا و وصیت جایز می باشد؛ چون نه برای او ضرری دارد و نه خلاف احترام است و با توقف نجات جان دیگری و انحصار طریق بر پزشک معالج از باب وجوب معالجه لازم و واجب می باشد.

2- آیا صرف ضرورت نجات جان مسلمانان نیازمند پیوند عضو برای جواز قطع عضو، کافی است یا اذن قبلی و وصیت صاحب عضو نیز لازم است؟

با ضرورت نجات، اجازه بر اولیا به خاطر وجوبی که متعلّق به پزشک شده لازم است و با امتناع می توان او را از باب امر به معروف الزام نمود و احوط الزام حاکم است، و با عدم امکان الزام حق اذن ساقط می گردد؛ مانند سقوط حق آن ها با امتناع در بقیه امور مربوط به تجهیز میت، بلکه ظاهراً به محض امتناع آن ها از اذن، حقّشان ساقط می گردد و اما با عدم ضرورت به علاوه از اذن، وصیت خود موصی نیز علی الاحوط لازم است و ابای ورثه از اذن هم سبب سقوط حق آن ها نمی گردد؛ چون اذن بر آن ها علی الغرض غیرواجب است.

3- آیا اطرافیان میت می توانند پس از مرگ چنین اجازه ای بدهند؟
آری می توانند؛ چون نه ضرری برای میت دارد و نه خلاف احترام است.

4- آیا انسان می تواند در زمان حیات خود با امضای کارتی رضایت خود را برای برداشت اعضای بدنش در صورت عارضه مرگ مغزی جهت پیوند به انسان های مسلمان نیازمند اعلام نماید؟

آری می تواند؛ چون وصیت به امری است که جایز می باشد و شاید بلکه ظاهراً با فرض وصیت نیازی به اجازه ورثه نباشد، هر چند احوط است.

5- آیا در موارد جواز قطع اعضا دیه ثابت است یا ساقط می شود؟

دیه ثابت است و باب، باب ضمان است، لکن مقدار مال الضمانه در شرع معین شده و در اختیار عرف و عقلا قرار نگرفته و ناگفته نماند که دیه قتل و یا قطع اعضای حی هم از باب ضمان به معین است، لکن بین دو قسم دیه - دیه غیرمیت و میت - تفاوت در مقدار وجود دارد.

6- در صورت ثبوت دیه، پرداخت آن برعهده کیست؟ پزشک یا بیمار؟

به عهده پزشک است که مباشر در عمل می باشد، لکن اگر دیگری دین او را ادا نماید و دیه را از قبل او تبرعاً بدهد، برائت ذمه حاصل می شود؛ کما این که اگر خود میت وصیت به عفو از دیه نموده باشد دیه ساقط است.

7- موارد مصرف دیه مذکور کدام است؟

صرف امر خیر برای میت می شود و ناگفته نماند که آن چه ذکر شد در رابطه با مرگ مغزی مسلمان است و اما مسئله مرگ مغزی غیرمسلمان، حکمش مختصر تفاوتی با مسلمان دارد که آن هم ناشی از اختصاص حدیث حرمت میت به مسلمان و مسئله معاهد و مؤتمن بودن آن ها است. به هر حال آن چه مسلم است فوق مسلمان نمی باشد و نیز برداشتن قلب در مورد مفروض (مرگ مغزی به معنای بیان شده) که منجر به از بین رفتن ضربان موقتی قلب می باشد، باعث قصاص یا دیه کامله نیست؛ چون عرفاً قتل صدق نمی کند و نمی گویند فلانی او را کشت، بلکه گفته می شود با برداشتن مثل قلب کارش تمام شد و حیات غیرطبیعی و غیرمستقرش خاتمه پیدا کرد و دیه اش هم دیه قطع اعضای میت است؛ چون در حکم او می باشد.

اگر حفظ جان مسلمان موقوف باشد بر پیوند عضوی از اعضای میت مسلمان، جایز است قطع آن عضو و پیوند آن و بعید نیست دیه داشته باشد و آیا دیه بر قطع کننده است یا بر مریض، محل اشکال است، لکن می تواند طبیب با مریض قرار دهد که او دیه را بدهد و اگر حفظ عضوی از مسلمان موقوف باشد بر قطع عضو میت در این صورت نیز بعید

نیست جایز باشد و اگر قطع کند دیه دارد، لکن اگر میت در حال زندگی اجازه داد ظاهراً دیه ندارد و اولی به عدم حرمت است و اگر خود او اجازه نداد، اولیای او بعد از مرگش می توانند اجازه بدهند، با فرض بی احترامی نبودن به میت، و دیه از قطع کننده ساقط نمی شود.

قطع عضو میت غیرمسلمان برای پیوند حرام نیست و دیه ندارد، لکن اگر پیوند کرد اشکال واقع می شود در نجاست آن و میت بودن آن برای نماز، اگر میت انسان در نماز اشکال داشته باشد. بنابراین اشکال در میت مسلمان نیز هست و اشکال نجاست اگر قبل از غسل قطع نمایند نیز هست، لکن می توان گفت که اگر عضو میت پس از پیوند، حیات پیدا کند، از عضویت میت می افتد و به عضویت زنده در می آید و نجس و میت نیست، بلکه اگر عضو حیوان نجس العین نیز پیوند شود و زنده به زندگی انسان شود از عضویت حیوان خارج و به عضویت انسان در می آید.

اگر قطع عضو را بعد از مردن جایز دانستیم، بعید نیست که در حال حیات فروش آن فی حدّ نفسه با قطع نظر از عوارض و طواری جایز باشد و انسان بتواند اعضای خودش را برای پیوند بفروشد در مواردی که قطع جایز است که در مسئله 37 بیان شد، بلکه جواز فروش تمام جسم را برای تشریح در موردی که جایز است خیلی بعید نیست فی حدّ نفسه؛ اگر چه بی اشکال نیست، لکن گرفتن مبلغی برای اجازه دادن در مورد جواز مانع ندارد. (1)

9. آیت الله محمد فاضل لنکرانی

آیا انسان حق دارد عضوی از بدن خود را به دیگری بدهد؟ اگر حق دارد کدام يك از اعضا مورد نظر است؟

اگر حیات مسلمانی منوط به اهدای عضوی مانند يك کلیه باشد و تهیه آن از غیرمسلمان مقدور نباشد و خطر جانی و یا ضرر غیرقابل تحمل برای اهدا کننده نداشته باشد، اهدا مانعی ندارد.

آیا انسان زنده حق فروش اعضای بدن خود را دارد؟ اگر فقیر و مسکین باشد چطور؟
دلیلی بر عدم جواز فروش فی نفسه به نظر نرسیده، مگر این که خطر جانی یا عوارض غیرقابل تحمل در پی داشته باشد که در این صورت جایز نیست و در هر حال فقر مجوّز فروش نمی شود.

فردی محکوم به اعدام شده و می خواهد عضوی یا اعضای بدنش را به اشخاص مضطر هدیه کند و در قبال آن از حاکم شرع تخفیفی بخواهد، آیا می تواند حکم اعدامش را تخفیف دهد؟ و اگر تخفیف را شرط کند، آیا این شرط صحیح است؟

در مواردی، حاکم شرع می تواند طبق موازین شرع تخفیف بدهد، ولی ظاهراً مورد سؤال از آن موارد نباشد. در عین حال اگر حاکم شرع صلاح دانست بعید نیست که طبق ولایت عامّه ای که دارد بتواند چنین تخفیفی را بدهد، ولی محکوم را در اهدای اعضا مخیر کند نه به صورت شرط، آن هم نسبت به اعضایی که مجاز به اهدا است نه مطلقاً، بلی اگر اعدام مربوط به حق الناس باشد، حاکم چنین حقی را ندارد.

فروش عضو قطع شده در حدّ یا قصاص یا واگذاری آن به مسلمان دیگر جایز است یا نه؟ اگر جایز است رضایت چه کسی شرط است و پول فروش آن به چه کسی می رسد؟ عضو قطع شده در فرض سؤال میته است و فروش میته صحیح نیست، ولی صاحب آن نسبت به آن اولویت دارد و می تواند در اختیار نیازمند بگذارد.

خرید و فروش خون چه حکمی دارد؟

در شرایط فعلی که دارای منفعت حلال عقلایی است مانعی ندارد.

آیا قطع و برداشتن عضوی از انسان زنده برای پیوند به انسان دیگر دیه دارد؟ در صورتی که برای دهنده عضو ضرر نداشته باشد و با رضایت او برداشته شود ظاهراً دیه ندارد.

آیا اهدای کلیه شخص نامحرم به دیگری جایز است؟

از این جهت، مانعی ندارد.

اگر شخص دهنده عضو یا گیرنده، زن و مرد بیگانه باشند حکمش چیست؟

در مواردی که دادن عضو جایز باشد، اشکالی ندارد.

اگر شخصی در زمان حیات وصیت کند که بعد از مرگش عضوی از بدنش را به شخصی یا اشخاصی که نیازمند می باشند، پیوند زنند، آیا وصیت او نافذ است؟ اگر وصیت کرده باشد که او را بعد از مرگ بفروشند چگونه؟

اگر حفظ جان مسلمانی بر پیوند عضوی از اعضای میت مسلمان متوقف باشد و از غیر مسلمان جایگزین نداشته باشد، قطع و پیوند جایز است و وصیت صحیح می باشد و بنابر احتیاط دیه آن را طبق مسئله 1946 بدهند تا برای خود میت مصرف شود، ولی فروش صحیح نیست.

اگر انسان مسلمانی وصیت نکند، اما اولیای میت بخواهند عضوی از بدن میت را به شخص نیازمندی یا غیر نیازمند پیوند زنند، آیا حق چنین کاری را دارند؟ اگر اولیا جنازه را بفروشنند، حکمش چیست؟

ملاك جواز و عدم جواز همان است که در جواب قبل بیان شد و رضایت و عدم رضایت اولیای میت تأثیری ندارد.

شخصی وصیت می کند که فلان عضو مرا به فلان مریض بدهید یا بدن مرا تشریح کنید، آیا نافذ است؟

بعید نیست نافذ باشد.

قطع و برداشتن عضوی از اعضای بدن مسلمان برای پیوند زدن به انسان دیگر چه حکمی دارد؟ و آیا دیه دارد؟

در صورتی که برای دهنده عضو ضرر نداشته باشد و راضی باشد، جایز است و ظاهراً در این فرض دیه ندارد.

آیا برداشتن عضوی از میت برای پیوند زدن به انسان دیگر جایز است؟ و آیا در صورت برداشتن عضو دیه باید پرداخت شود؟

قطع اعضای میت مسلمان جایز نیست، مگر این که حفظ جان یا سلامتی مسلمانی متوقف بر قطع و پیوند اعضای او باشد و از غیر مسلمان جایگزین نشود که در این صورت جایز است، ولی بنابر احتیاط دیه اعضای قطع شده را مطابق مسئله 1946 پردازند تا برای میت به مصرف حج یا صدقات و خیرات برسد.

آیا می توان عضوی از بدن انسان را به حیوانی پیوند زد، حکم کلی آن چیست؟

اگر غرض عقلایی بر آن مترتب باشد و ضرری برای انسان نداشته باشد مانعی ندارد.

در صورت امکان اگر سر انسان را به انسان دیگر پیوند زنند، آیا جایز است؟ در صورت جواز، احکام صاحب سر بر او جاری می شود یا احکام صاحب بدن، یا شخص جدیدی است؟

این مسئله دارای فروع و تفصیلاتی است که در صورت ابتلا حکم آن بیان خواهد شد.

اگر عضوی به خاطر حدّ یا قصاص بریده شود آیا می توان آن را به خود جانی دوباره پیوند زد؟ اگر بخواهند به دیگری پیوند بزنند آیا رضایت جانی شرط است یا مجنی علیه؟

پیوند مجدد عضو در مفروض سؤال خلاف حکمت جعل حدود و قصاص است، ولی پیوند زدن آن به غیر، با رضایت مجنی علیه و اجازه حاکم شرع، ظاهراً جایز باشد.

اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش اعضای قابل پیوندش را به بیماران پیوند زنند، آیا مجاز به این کار هستیم؟

اگر حفظ جان مسلمانی بر پیوند عضوی از اعضای میت مسلمان متوقف باشد قطع و پیوند آن عضو جایز است و بنا بر احتیاط دیه آن را طبق مسئله 1946 بپردازند تا برای خود میت در امور خیریه مصرف شود و اگر آن شخص وصیت کرد، باز بنا بر احتیاط دیه را بدهند تا برای او مصرف شود.

اگر شخص وصیت کند بعد از وفاتش اعضایش را به دیگران پیوند بزنند، اما ولیّ وی (پس از مرگش) از این کار ناراضی باشد، آیا مجازیم این کار را بدون اجازه ولیّ انجام دهیم؟ اگر احراز شود که حفظ جان مسلمانی متوقف بر پیوند مذکور است و جای گزین از غیرمسلمان ندارد، جایز است به وصیت او عمل کنند و در این فرض نیازی به اجازه ولیّ نیست و بنا بر احتیاط دیه اعضای قطع شده را بدهند تا برای خود میت در امور خیریه مصرف شود.

اگر شخصی از پیوند اعضای خود به دیگران پس از مرگش ناراضی باشد، اما پس از وفاتش ولیّ وی مایل به این کار باشد، آیا می توان چنین کاری را انجام داد؟ ملاک جواز و عدم جواز همان است که قبلاً گفته شد و رضایت و عدم رضایت و میل و عدم میل ولیّ تأثیری ندارد.

شخصی در طول زندگیش نظر مخالف یا موافقی در مورد پیوند اعضایش نداشت، آیا پس از مرگش می توان به اجازه ولیّ وی، چنین کاری را انجام داد؟ اگر حفظ جان مسلمانی متوقف بر پیوند اعضای میت باشد و جای گزینی از غیر مسلمان نباشد، جایز است.

اگر احتمال بدهیم با برداشتن يك یا چند عضو از شخصی که زنده است در آینده نزدیک یا دور، وی دچار عوارض خفیف یا شدید خواهد شد و از طرفی نجات جان بیمار دیگری وابسته به همین کار باشد و مورد دیگری نیز در دست رس نباشد، آیا مجازیم بدون آگاهی دادن به شخص پیوند دهنده، چنین کاری را انجام دهیم؟ اگر به وی اطلاع بدهیم و با تمایل وی عضو پیوندی را از بدنش خارج کنیم، در صورت ایجاد عارضه در وی، آیا پزشک مسئول است؟

اگر جان پیوند دهنده در خطر باشد جایز نیست، هر چند جان بیماری وابسته به آن باشد و اگر بدون آگاه کردن وی چنین کاری شد و خطری متوجه او گردید، پزشک مسئول است و در فرض آگاه کردن وی نیز چنان چه پزشک شرط عدم ضمان نکرده باشد، مسئول است. اگر مطمئن باشیم و یا احتمال دهیم که این پیوند رد خواهد شد و نهایتاً مفید نخواهد بود، آیا مجازیم با خوش بینی و به عنوان کمک به بیمار از بدن فرد زنده یا مرده دیگری، عضوی را جدا و به آن بیمار پیوند بزنیم؟

خیر.

با توجه به این که بعد از پیوند، شیمی درمانی ضروری به نظر می رسد و همین عمل باعث عوارض خفیف یا شدید در بیمار می گردد، آیا پزشکی که مجبور به انجام این کار جهت عدم رد پیوند می باشد، در ایجاد عوارض آن مسئول است؟

با شرط عدم ضمان و رعایت احتیاط لازم و دقت کافی و اکتفا به مقدار ضروری، مسئول نیست.

تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیرقابل بازگشت و غیرقابل جبران، فعالیت های قشر مغز خود را از دست داده، در حالت اغمای کامل بوده و به تحریکات داخلی و خارجی پاسخ نمی دهند، ضمناً فعالیت های ساقه مغز خود را نیز از دست داده، فاقد تنفس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می باشند. در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت های مورد اشاره مطلقاً وجود ندارد. بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده که ادامه این ضربان هم موقتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدت چند ساعت و حداکثر چند روز مقدور می باشد. این وضعیت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده می شود. از طرفی نجات جان عده دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است. با عنایت به این که این اشخاص فاقد تنفس، شعور، احساس و حرکت ارادی هستند و هیچ گاه حیات خود را باز نمی یابند مستدعی است ارشاد فرمایید (لطفاً با اشاره اجمالی به دلیل):

1- آیا در صورت احراز شرایط فوق، می توان از اعضای افراد مبتلا به مرگ مغزی، برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟

برداشتن اعضای افرادی که به علت سکتة مغزی یا تصادف از لحاظ پزشکی امیدی به زنده ماندن آنان نیست، ولی قلب آن ها از کار نیفتاده است، مشکل است خصوصاً قلب را

که هنوز از کار نیفتاده اگر بردارند بعید نیست که صدق قتل کند، ولی نسبت به سایر اعضا اگر حفظ جان مسلمانی متوقف بر برداشتن آنها باشد، مانعی ندارد.

2- آیا صرف ضرورتِ نجاتِ جان مسلمانان نیازمند به پیوند عضو برای جواز قطع عضو کافی است، یا اذن قبلی و وصیت صاحب عضو لازم است؟

قطع اعضای میت مسلمان جایز نیست، مگر این که حفظ جان یا سلامتی مسلمانی متوقف بر قطع و پیوند آن باشد و از غیر مسلمان جایگزین نباشد که در این فرض جایز است و در این صورت اذن قبلی و وصیت لازم نیست، ولی بنا بر احتیاط دیه آن را طبق مسئله 1946 بدهند تا برای میت در امور خیریه مصرف شود.

3- آیا اطرافیان این فرد می توانند پس از مرگ، چنین اجازه ای بدهند؟ ملاک جواز و عدم جواز همان است که در جواب سؤال دوم بیان شد و اجازه و عدم اجازه تأثیری ندارد.

4- آیا انسان می تواند در زمان حیات خود با امضای کارتی رضایت خود را برای برداشت اعضای بدنش، در صورت عارضه مرگ مغزی جهت پیوند به مسلمان نیازمند اعلام کند؟ می تواند وصیت کند و رضایت خود را اعلام کند، اما ملاک جواز عمل به وصیت او همان است که در جواب سؤال دوم گفته شد و در این صورت نیز بنا بر احتیاط دیه بدهند تا برای میت در امور خیریه، مصرف شود.

5- آیا در موارد جواز قطع اعضا دیه ثابت است یا ساقط می شود؟ از جواب سؤال های قبل جواب این سؤال هم معلوم شد.

6- در صورت ثبوت دیه، پرداخت آن برعهده کیست؟ پزشک یا بیمار؟ دیه بر عهده پزشک است، اما پزشک می تواند با بیمار قرار بگذارد که بیمار دیه را از طرف پزشک بپردازد.

7- موارد مصرف دیه مذکور کدام است؟

محل مصرف دیه در مسائل قبل بیان شد.

اگر ندانیم جسدی که در اختیار ماست، جسد مسلمان است یا کافر یا اهل کتاب، آیا مجازیم آن را تشریح کنیم؟

نخیر.

10. آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی

اگر کسی وصیت کند که پس از مرگ مثلاً چشم مرا جدا کنید و به دیگری بدهید، در صورت رضایت وارث، عمل به وصیت جایز است یا خیر؟

به نظر حقیر مشکل است و احتیاط لازم ترك عمل به این وصیت است.(1)

اگر جزئی از اجزای میت به ظاهر بدن انسان زنده وصل شود چنانچه حیات در آن حلول کند جزء بدن او محسوب است و قبل از حلول حیات چون مضطر است در حمل آن، در حال نماز احکام ضرورت بر آن جاری است.

اگر جزئی از حیوان نجس العین را به بدن انسان زنده وصل کنند، در صورتی که بیمار مضطر به چنین عملی باشد مانعی ندارد و بعد از حلول حیات در آن، جزء بدن انسان محسوب می شود و طاهر است.(1)

11. آیت الله ناصر مکارم شیرازی

اگر جسدی مجهول الهویه که اعضای قابل پیوندی داشته باشد در دست رس باشد، آیا می توان این اعضا را به بیماری که محتاج است پیوند زد؟

اگر موجب نجات جان مسلمانی از مرگ یا بیماری مهمی بشود جایز است.

در فرض مسئله فوق اگر بعداً ولی متوقفاً پیدا شود و از این کار ناراضی باشد چه باید کرد؟ در فرض فوق عدم رضایت او مشکلی ایجاد نمی کند و فرقی بین مجهول الهویه و غیر او نیست.

اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش، اعضای قابل پیوندش را به بیماران پیوند زنند، آیا مجاز به این کار هستیم؟

تنها با شرطی که در جواب مسئله 1442 [سؤال اول] گفته شد مجاز است.

اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش، اعضایش را به دیگران پیوند بزنند، اما ولی وی پس از مرگش از این کار ناراضی باشد، آیا مجازیم این کار را بدون اجازه ولی انجام دهیم؟ اجازه ولی در فرض جواب مسئله 1442 [سؤال اول] شرط نیست.

اگر شخصی از پیوند اعضای خود به دیگران پس از مرگش ناراضی باشد، ولی پس از وفاتش ولی وی مایل به این کار باشد، آیا می توانیم چنین کاری انجام دهیم؟ با شرط فوق جایز است.

اگر شخصی در طول زندگیش نظر مخالف یا موافقی در مورد پیوند اعضایش نداشته باشد، آیا پس از مرگش می توان به اجازه ولی وی چنین کاری را انجام داد؟

اگر ضرورتی ایجاب کند مانعی ندارد.

آیا برداشتن عضوی از بدن فرد زنده جهت پیوند، مستلزم پرداخت دیه می باشد؟

اگر با اجازه خود او باشد و خطری او را تهدید نکند جایز است و دیه ندارد.

اگر احتمال بدهیم با برداشتن يك یا چند عضو از شخصی که زنده است درآینده نزدیک یا دور وی دچار عوارض خفیف یا شدید خواهد شد و از طرفی نجات جان بیمار دیگری وابسته به همین کار باشد و مورد دیگری نیز در دست رس نباشد؛ آیا مجازیم بدون آگاهی دادن شخص پیوند دهنده، چنین کاری را انجام دهیم؟ اگر به وی اطلاع بدهیم و با تمایل وی عضو پیوندی را از بدنش خارج کنیم، در صورت ایجاد عارضه در وی، آیا پزشك مسئول است؟

اگر عارضه مثلاً به خاطر از دست دادن يك کلیه یا مانند آن باشد واجب نیست کسی برای نجات جان دیگری این کار را انجام دهد، اما اگر عارضه، خفیف و قابل تحمل باشد، وجوب نجات جان دیگری با رضایت صاحب عضو بعید نیست و در صورتی که با اطلاع و رضایت صاحب عضو باشد و احتمال عارضه ضعیف بوده، اما تصادفاً گرفتار آن شود پزشك مسئول نمی باشد؛ مانند برداشتن يك کلیه که معمولاً خالی از خطر است، ولی گاه ممکن است عارضه ای پیش آید.

اگر مطمئن باشیم و یا احتمال دهیم که این پیوند رد خواهد شد و نهایتاً مفید نخواهد بود، آیا مجازیم با خوش بینی و به عنوان کمک به بیمار، از بدن فرد زنده یا مرده دیگری عضوی را جدا و به آن بیمار پیوند بزنیم؟

جواب - اگر اطمینان به عدم نتیجه باشد این کار جایز نیست، ولی در صورت احتمال عقلایی، برداشتن عضو پیوندی از مرده مانعی ندارد و از زنده در صورت عدم ضرر و خطر نیز جایز است.

با توجه به این که بعد از پیوند، شیمی درمانی ضروری به نظر می رسد و همین عمل باعث عوارضی خفیف یا شدید در بیمار می گردد، آیا پزشکی که مجبور به انجام این کار جهت عدم ردّ پیوند می باشد در ایجاد عوارض آن مسئول است؟

چنان چه قبلاً مسئله را با بیمار در میان بگذارد و به او تفهیم کند و او رضایت بدهد مانعی ندارد.

آیا برای شخص جایز است که اجازه دهد در حال حیات یا پس از مرگ، بعضی اعضای او که حفظ نفس بیمار بر آن متوقف نیست از قبیل انگشت، دست، قرنیه چشم و ... را در مقابل وجه یا مجاناً به دیگری پیوند زنند؟

در حال حیات مشکل است، ولی بعد از مرگ در مواردی که اثر مهمی دارد مانعی ندارد. آیا می توان از اعضای بدن خوک به انسان پیوند زد؟ در موارد ضرورت مانعی ندارد.

آیا بعد از قطع انگشتان سارق، بلافاصله پیوند زدن به دست خود سارق جایز می باشد یا مقصود باقی ماندن بر وضع بریدگی، برای عبرت دیگران می باشد؟ جایز نیست.

پیوند زدن انگشتان قطع شده سارق به دست شخص دیگری که فرضاً در کارخانه بریده شده چه حکمی دارد؟ بر فرض جواز، آیا اجازه صاحب عضو در این کار لازم است؟ با اجازه صاحب عضو جایز است.

آیا با توجه به هزاران بیمار دیالیزی و نظر به این که پیوند کلیه قطعی ترین درمان این عزیزان است، احتراماً خواهشمند است نظریات خود را در مورد مسائل ذیل مرقوم بفرمایید:

1- به نظر حضرت عالی آیا پیوند عضو از فردی که دچار مرگ مغزی (با توجه به نظر متخصصین، با از کار افتادن مغز، کلیه اعضای بدن نیز پس از ساعتی از کار می افتد) شده است، جایز است یا نه؟

2- آیا با وصیت فرد، چنین پیوندی جایز است؟

3- چنان چه به نظر حضرت عالی پیوند عضو از فرد دچار مرگ مغزی شده جایز است، لطفاً بفرمایید برای روشن شدن اذهان مردم نسبت به این امر چه باید کرد؟

هرگاه مرگ مغزی به طور کامل و مسلّم باشد و هیچ گونه احتمال بازگشت به زندگی عادی وجود نداشته باشد، برداشتن بعضی از اعضا (خواه مانند قلب باشد یا کلیه یا عضو دیگر) برای نجات جان مسلمانی، مانعی ندارد، خواه وصیت به این کار کرده باشد یا نه، ولی بهتر جلب رضایت اولیای میت است.

آیا اهدای اعضای بدن، مثل قلب، کلیه و چشم بعد از فوت و با موافقت ورثه جهت پیوند به انسان زنده دیگر جایز است؟ در موارد ضرورت اشکالی ندارد.

پیوند عضوی که با قصاص قطع می شود جایز است؟
اشکال دارد.

آیا فروش عضو قطع شده در حدّ یا قصاص یا واگذاری آن به مسلمان دیگر جایز است؟
اگر به منظور پیوند به دیگری باشد با اجازه صاحب آن جایز است.

خرید و فروش اعضا برای پیوند چه حکمی دارد؟

جایز است، ولی بهتر این است که پول را در برابر اجازه برداشتن عضو بگیرد.

در موارد زیر آیا از فردی که در حال مرگ مغزی است، ولی به وسیله دستگاه تنفس مصنوعی به حیات نباتی ادامه می دهد و از نظر پزشکی امکان برگشت وی وجود ندارد و مرده تلقی می شود، می توان عضوی را مثل چشم یا کلیه برای پیوند خارج کرد؟

الف - در مورد مسلمانان به طور کلی؛

ب - در مورد مسلمانان با وصیت قبلی و یا جواز اطرافیان؛

ج - در مورد غیر مسلمانان.

با اجازه و رضایت قبلی خودش در مورد يك کلیه و مانند آن مانعی ندارد و اما در غیر مسلمان مطلقاً جایز است و در مورد اعضای اصلی مانند مسئله 1456 است.

آیا می توان تخفیف جرم محکومین به اعدام را موقوف به اهدای عضوی از آن ها برای نجات جان مسلمانی دانست؟

تنها صاحب حق در مورد قصاص یا دیات می تواند گذشت از تمام حقّ خود یا بعضی از آن را مشروط به اهدای عضوی که اهدای آن جایز است بکند و طرف مقابل می تواند این شرط را بپذیرد یا نپذیرد.

آیا برداشتن قطعه ای از استخوان یا عضله از شخص مسلمان با رضایت یا بدون رضایت برای استفاده در بدن شخص غیرمسلمان که دشمنی با مسلمانان ندارد جایز است؟
اگر با اجازه بردارنده و شخصی که از او بر می دارند به خطر جانی یا نقص عضو مهمّی گرفتار نشود، مانعی ندارد.

استفاده از باقیمانده های زایمانی (جفت، پرده جنین و...) برای اعمال جراحی دیگران، چه حکمی دارد؟

اشکالی ندارد.

آیا انسان بالغ می تواند وصیت کند که بعد از مرگش اعضای بدنش را (مانند قلب و کلیه و...) بدون اخذ وجهی به بیماران نیازمند بدهند و سپس او را دفن کنند و آیا می تواند شرط کند که اعضا را بفروشند و در مواردی که وصیت می شود خرج یا اهدا کنند؟ این وصیت تنها در صورتی نافذ است که ضرورتی ایجاب کند که اعضای بدن او را بردارند و بهتر این است که رایگان در اختیار نیازمندان بگذارند، هر چند گرفتن پول هم به صورتی که در بالا گفته شد مانعی ندارد.

اگر مریضی به خاطر ضعف و ناراحتی اعضای مهم بدنش، مثل قلب، در حال مرگ باشد و از طرفی جسد مرده ای نیز در اختیار باشد، آیا جایز است که عضو مورد نظر را از بدن میت برداریم و به بدن شخص مریض پیوند بزنیم؟

اگر زندگی آن مریض متوقف بر این کار باشد، واجب است.

در چه سنی اهدای کلیه جایز است؟ آیا برای انسان غیربالغ در صورتی که ولی او اجازه دهد این کار جایز است؟

اهدای کلیه برای غیربالغ جایز نیست، چون ولی در این گونه موارد ولایت ندارد.

آیا جایز است که شخص وصیت کند که اعضای بدنش را بعد از وفاتش به مریض مسلمانی که اعضای مهم بدنش مثل قلب و غیر آن در خطر است اهدا کنند؟ به شخص غیرمسلمان چطور؟

در مورد مریض مسلمان در فرض مسئله اشکالی ندارد و اما در مورد مریض غیرمسلمان جایز نیست، مگر این که غرض مهم تری در کار باشد و یا این که وصیت کننده از کفار باشد.

آیا برای طبیب جایز است که عملیات انتقال کلیه از شخصی به شخص دیگر را عهده دار شود، در حالی که می داند اهدا کننده کلیه، پولی را در مقابل این کار می گیرد؟ در صورتی که باعث نجات جان مسلمانی شود جایز است.

تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیرقابل بازگشت و غیرقابل جبران، فعالیت های قشر مغز خود را از دست داده و در حالت اغمای کامل بوده و به تحریکات داخلی و خارجی پاسخ نمی دهند، ضمناً فعالیت های ساقه مغز خود را نیز از دست داده، فاقد تنفس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می باشند. در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت های مورد اشاره، مطلقاً وجود نداشته بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده که ادامه این ضربان هم موقتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدت چند

ساعت و حداکثر چند روز مقدور می باشد. این وضعیت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده می شود، از طرفی نجات جان عده دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است. با عنایت به این که این اشخاص فاقد تنفس، شعور، احساس و حرکت ارادی هستند و هیچ گاه حیات خود را باز نمی یابند:

1- آیا در صورت احراز شرایط فوق می توان از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟

جواب این مسئله در سابق گفته شد، ولی از نظر اهمیت مسئله توضیحاً عرض می شود که در موارد مرگ مغزی به صورتی که در بالا ذکر شده اگر موضوع قطعی و یقینی باشد چنان فردی در این گونه احکام مانند میت است (هرچند پاره ای از احکام میت، مانند غسل و نماز و کفن و دفن و غسل مس میت بر او جاری نمی شود)، بنابراین برداشتن اعضای او برای نجات جان مسلمان ها مانعی ندارد.

2- آیا صرف ضرورت نجات جان مسلمان نیازمند به پیوند عضو، برای جواز قطع عضو کافی است یا اذن قبلی و وصیت صاحب عضو نیز لازم است؟

در مواردی که عضو را بعد از مرگ کامل بر می دارند و نجات جان دیگران منوط به آن است اذن قبلی یا اجازه بازماندگان لازم نیست هر چند بهتر است.

3- آیا اطرافیان میت می توانند پس از مرگ مغزی چنین اجازه ای بدهند؟
از جواب بالا معلوم شد.

4- آیا انسان می تواند در زمان حیات خود با امضای کارتی رضایت خود را برای برداشتن اعضای بدنش در صورت عارضه مرگ مغزی، جهت پیوند به انسان های مسلمان نیازمند اعلام نماید؟

از جواب بالا معلوم شد.

2- آیا در موارد جواز قطع اعضا، دیه ثابت است یا ساقط می شود؟
در موارد جواز قطع اعضا، دیه واجب نیست.

3- در صورت ثبوت دیه، پرداخت آن بر عهده کیست پزشک یا بیمار؟

4- موارد مصرف دیه مذکور کدام است؟

در فرض مذکور دیه وجود ندارد.

12. آیت الله منتظری

احتراماً به عرض می‌رساند تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیرقابل بازگشت و غیرقابل جبران، فعالیت‌های قشر مغز خود را از دست داده، در حالت اغمای کامل بوده و به تحریکات داخلی و خارجی پاسخ نمی‌دهند، ضمناً فعالیت‌های ساقه مغز خود را نیز از دست داده فاقد تنفس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می‌باشند. در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت‌های مورد اشاره مطلقاً وجود نداشته، بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده که ادامه این ضربان هم موقتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدت چند ساعت و حداکثر چند روز مقدور می‌باشد. این وضعیت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده می‌شود. از طرفی نجات جان عده دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است. با عنایت به این که این اشخاص فاقد تنفس، شعور، احساس و حرکت ارادی هستند و هیچ گاه حیات خود را باز نمی‌یابند، مستدعی است ارشاد فرمایید (لطفاً با اشاره اجمالی به دلیل):

1- آیا در صورت احراز شرایط فوق می‌توان از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟ آیا صرف ضرورت نجات جان مسلمانان نیازمند به پیوند عضو برای جواز قطع عضو، کافی است یا اذن قبلی و وصیت صاحب عضو نیز لازم است؟ آیا اطرافیان میت می‌توانند پس از مرگ چنین اجازه ای بدهند؟ آیا انسان می‌تواند در زمان حیات خود با امضای کارتی رضایت خود را برای برداشت اعضای بدنش در صورت عارضه مرگ مغزی جهت پیوند به انسان‌های مسلمان نیازمند اعلام نماید؟

مادامی که زنده است، هر چند مغزش از کار افتاده باشد، قتل آن جایز نیست و دلیل حرمت قتل شامل آن می‌باشد و بعد از مردن او اگر حفظ جان مسلمانی متوقف بر آن باشد و پیوند عضو کافر ممکن نباشد، جواز آن بعید نیست و در این تفصیل بین وصیت و عدم آن و رضایت اولیاء و عدم آن، فرقی نیست.

5- آیا در موارد جواز قطع اعضا، دیه ثابت است یا ساقط می‌شود؟ به مقدار يك دهم دیه عضو زنده دیه دارد؛ بلی اگر وصیت کرده باشد که تبرعاً اهدا شود سقوط دیه بعید نیست.

6- در صورت ثبوت دیه، پرداخت آن برعهده کیست؟ پزشك یا بیمار؟ دیه به عهده مباشر قطع است، مگر این که مریض یا اولیای او متعهد پرداخت آن شده باشند.

7- موارد مصرف دیه مذکور کدام است؟

باید در خیرات و مبرّات برای خود میّت صرف شود. مستدعی است پاسخ چند سؤال فقهی زیر که در پزشکی مبتلا به می باشد، مرقوم فرمایید.

امواجی که بر روی نوار ثبت می شود دال بر فعالیت مغز یا قلب می باشند با توجه به این که می تواند امواج مغزی وجود نداشته باشد و قلب انسان با کمک دستگاه های مصنوعی فعالیت داشته باشد:

1- سؤال این است که آیا نداشتن امواج مغزی دال بر مرگ است یا نداشتن امواج قلبی؟ مادامی که علم به خروج روح از تمامی اعضای انسان حاصل نشده احکام مرده بر او جاری نمی شود.

2- در حالت اغمای بدون برگشت که مغز به طور کلی مرده است و حرکات قلبی، عروقی و تنفسی به کمک دستگاه ها و داروها نگه داری می شود، بنابراین که پیوند اعضای بدن مباح باشد، آیا جدا کردن عضوی مثل قلب از بدن شخص در این حالت برای پیوند به شخص دیگر جایز است؟
با توجه به عدم خروج روح از قلب جایز نیست.

3- آیا جدا کردن عضو در این حالت، جدا کردن عضو از انسان زنده محسوب می شود یا از بدن مرده؟
حکم جدا کردن از انسان زنده را دارد.

4- چه زمانی احکام میت مانند ارث، وصیت، عده وفات در مورد زوجه و ... بر او جاری می شود؟ از زمان مرگ مغزی یا از زمان جدا کردن دستگاه های مذکور و توقف قلب؟
هر وقت خروج روح از تمام اعضای انسان احراز شود، احکام میت بر او جاری می گردد، مگر غسل مسّ میّت که توقف بر سرد شدن تمام اعضای میّت دارد. (1)
با توجه به نیاز امروز جامعه به پیوند کلیه، آیا می توان قبل از مرگ، هنگامی که طبق نظر پزشکان معالج مرگ انسان مسلّم باشد، يك کلیه او را درآورد و او را با يك کلیه که قابل حیات است به حال خود گذاشت و یا هر دو کلیه را درآورد؟
بدون رضایت او جایز نیست و با رضایت او در صورتی که ضرر معتد به برای او نداشته باشد و حیات مسلمان دیگری متوقف بر آن باشد مانع ندارد. (1)

طبق آمار سازمان بهشت زهرا به طور متوسط 3500 نفر در سال به علت سکت مغزی، خون ریزی و یا ضربه مغزی فوت می نمایند. از نظر پزشکی، کلیه این افراد قابل پیوند به

بیماران دیالیزی دردمند است؛ آیا قطع کلیه این افراد برای پیوند به جهت حفظ بیماران دیالیزی در صورت رضایت وابستگان یا وصیت میت جایز است و در صورت قطع، دیه تعلق می‌گیرد یا خیر؟

پس از مرگ اگر حفظ جان مسلمان متوقف بر آن باشد مانع ندارد و بنا بر احتیاط دیه آن را بپردازد که به مصرف حج یا صدقه و خیرات برای خود میت برسد و نباید در بین ورثه تقسیم شود.

مریضی است در بیمارستان که در نوبت عمل پیوند کلیه به سر می‌برد و برادر ایشان کمی از نظر فکری عقب افتادگی دارد، قیم و ولی ایشان با این عمل (یعنی پیوند کلیه برادر عقب افتاده به مریض) موافقت کرده و متخصصین بیمارستان پس از آزمایش‌های مربوطه از طرفین تشخیص داده‌اند که بافت پیوند از برادرش عملی می‌باشد. با توجه به وضعیت بدی که احتمال خطر مرگ بیمار دارد و فقط با پیوند کلیه برادرش نجات خواهد یافت، تکلیف شرعی را اعلام فرمایید؟

اگر زنده ماندن مریض متوقف بر اعطای کلیه باشد، فرد بالغ و عاقل می‌تواند کلیه خود را با عدم ضرر معتد به و گرفتن پول یا تبرعاً به او اعطا کند، ولی کسی که خودش رشد فکری ندارد، ولی او نمی‌تواند اجازه بدهد و بدون اجازه هم جایز نیست.

پیوند زدن اعضای افرادی که به دلیل ارتداد یا مفسد فی الارض بودن اعدام شده‌اند و نیز نبش قبر افراد غیرمسلمان که در کشور جمهوری اسلامی دفن شده‌اند و تشریح جسد آنان، چه حکمی دارد؟ آیا اجازه ولی و وصی یا وارث لازم است؟

کفر و ارتداد هر کدام ثابت شده باشد تشریح جسد او اشکال ندارد و اذن ولی و وارث او هم شرط نیست، مگر این که آن‌ها در صورت عدم استیذان، فتنه برپا کنند که برخلاف مصلحت اسلام باشد، ولی ارتداد هر کدام شرعاً ثابت نباشد، حکم جسد مسلمان را دارد. برای تشریح جسدی یا تجزیه استخوانی اجباراً به دانشگاه برده می‌شویم و نمی‌دانیم متعلق به مسلمان است یا کافر، آیا تحقیق لازم است یا نه؟ و حکم غسل مس میت چه می‌شود؟

تحقیق مطابق احتیاط است. مگر این که از دست کش بهداشتی استفاده کنید و تماس حاصل نشود.

حکم تشریح جسد مسلمان در صورت کمبود جسد غیرمسلمان برای تشریح در دانشگاه های جمهوری اسلامی چیست؟

اگر احراز شود که حفظ جان مسلمان متوقف بر آن است و جای گزین ندارد جایز است و در غیر این فرض جایز نیست.

اگر بعد از تحقیق معلوم نشد که جسد مسلمان است یا کافر تشریح آن چه حکمی دارد؟ حکم تشریح جسد مسلمان را دارد که تفصیل آن در مسئله 545 [مسئله سابق] گذشت.

اصولاً حکم تشریح جسد مسلمان با توجه به این که جسد غیرمسلمان یا اصلاً نباشد و یا فراوان نیست و یا برای دولت اسلامی مشکلاتی دارد چیست؟ و آیا اجازه ولیّ یا وصیّ و وارث میت مسلمان در جواز تشریح جسد مسلمان مؤثر می باشد یا نه؟

ملاك جواز و عدم جواز تشریح جسد مسلمان در مسئله 545 نوشته شد و در صورت عدم جواز، اجازه ولیّ و وارث و وصیّ حرمت آن را بر نمی دارد.

آیا مسلمان می تواند وصیت کند که بعد از مرگ اعضای بدنش؛ مانند قلب و کبد و چشم و غیره مورد استفاده بیمارستان ها و مراجع تحقیقاتی پزشکی و یا افراد نیازمند قرار گیرد یا نه؟

اگر زنده ماندن فردی متوقف بر آن باشد اشکال ندارد و در غیر این فرض مشکل است.

13. آیت الله نوری همدانی

مستدعی است پاسخ چند سؤال فقهی زیر که در پزشکی مبتلا به می باشد مرقوم فرمایید.

امواجی که بر روی نوار ثبت می شود دال بر فعالیت مغز یا قلب می باشند با توجه به این که می تواند امواج مغزی وجود نداشته باشد و قلب انسان با کمک دستگاه های مصنوعی فعالیت داشته باشد.

1- سؤال این است که آیا نداشتن امواج مغزی دال بر مرگ است یا نداشتن امواج قلبی؟
2- در حالت اغمای بدون برگشت که مغز به طور کلی مرده است و حرکات قلبی، عروقی و تنفسی به کمک دستگاه ها و داروها نگه داری می شود، بنابراین که پیوند اعضای بدن مباح باشد، آیا جدا کردن عضوی مثل قلب از بدن شخص در این حالت، برای پیوند به شخص دیگر جایز است؟

3- آیا جدا کردن عضو در این حالت، جدا کردن عضو از انسان زنده محسوب می شود یا از بدن مرده؟

4- چه زمانی احکام میّت مانند ارث، وصیت، عده وفات در مورد زوجه و ... بر او جاری می شود؟ از زمان مرگ مغزی یا از زمان جداکردن دستگاه های مذکور و توقف قلب؟

در قرآن مجید و احادیث اهل بیت { که مبنا و اساس استنباط احکام الهی است (موت شخص) به معنای مرگ به عنوان موضوع و محور ذکر شده است. شأن فقیه هم این است که احکام خداوند را از منابع و مآخذ خود استنباط کرده در اختیار مسلمانان قرار بدهد، اما تشخیص موضوع به عهده فقیه نیست و تشخیص آن اغلب با نظر اهل عرف و گاهی با نظر متخصص است؛ مثلاً شارع مقدس اسلام (آب) را پاک کننده معرفی می کند، اما این که (آب) چیست و حدّ و مرز آن تا کجا است؟ اگر با يك مقدار کم از خاک مخلوط شد نیز مسلماً آب صدق می کند، ولی اگر با مقدار بیش تر و بیش تر مخلوط باشد، آیا باز هم آب صدق می کند؟ این بستگی به نظر و تشخیص اهل عرف دارد.

و نیز مثلاً به ما امر فرموده اند که در حال نماز استقبال قبله نمایید، آیا در استقبال این اندازه دقت معتبر است که اگر يك خط از وسط پیشانی نمازگزار خارج شود به وسط خانه کعبه بخورد یا این که همین قدر که عرفاً بگویند مقابل خانه کعبه ایستاده است کافی است؟ در این مورد تشخیص و قضاوت با اهل عرف است. در موارد مذکور در فوق نیز نظر عرف و نظر متخصص ملاک و میزان است و به نظر می رسد تا خون در رگ های بدن جریان دارد و نبض می زند شخص نمرده است و در صورتی که موردی پیش بیاید که اهل عرف متحیر و مردّد باشند و متخصص هم نتواند تشخیص قاطع بدهد، باید به قواعد دیگری که در اصول فقه مدوّن است مراجعه کنیم و مقتضای قواعد در موارد مزبور احتیاط است و ما احکام ارث و وصیت و عده وفات ... را از زمانی در نظر می گیریم که یقین به تحقق مرگ داشته باشیم.

تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیرقابل بازگشت و غیرقابل جبران، فعالیت های قشر مغز خود را از دست داده، در حالت اغمای کامل بوده و به تحریکات داخلی و خارجی پاسخ نمی دهند، ضمناً فعالیت های ساقه مغز خود را نیز از دست داده، فاقد تنفس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می باشند، در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت های مورد اشاره مطلقاً وجود نداشته، بیمار دارای ضریان خودکار قلب بوده که ادامه این ضریان هم موقتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدت چند ساعت و حداکثر چند روز مقدور می باشد. این وضعیت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده

می شود. از طرفی نجات جان عده دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است.

با عنایت به این که این اشخاص فاقد تنفس، شعور، احساس و حرکت ارادی هستند و هیچ گاه حیات خود را باز نمی یابند، مستدعی است ارشاد فرمایید (لطفاً با اشاره اجمالی به دلیل):

1- آیا در صورت احراز شرایط فوق می توان از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟

در صورتی که افرادی که با مرگ مغزی مواجه شده اند، کاملاً فاقد حسّ و حرکت می باشند و خون در رگ های بدن آن ها از جریان افتاده و ضربان نبض آن ها نیز قطع شده است و مطلبی که در سؤال قبل پاسخ دادیم درباره آنها صدق می کند، مرده محسوب می شوند و حکم قطع عضو آن ها به این شرح است.

2- آیا صرف ضرورت نجات جان مسلمانان نیازمند به پیوند عضو، برای جواز قطع عضو کافی است یا اذن قبلی و وصیت صاحب عضو نیز لازم است؟
اذن قبلی و وصیت صاحب عضو لازم است و اگر آن انجام نشده است با نظر و اجازه فقیه جامع الشرایط جایز است.

3- آیا اطرافیان میت می توانند پس از مرگ چنین اجازه ای بدهند؟
دلیلی بر ولایت اطرافیان و اقبای میت در این قبیل امور نداریم.

4- آیا انسان می تواند در زمان حیات خود با امضای کارتی رضایت خود را برای برداشت اعضای بدنش در صورت عارضه مرگ مغزی جهت پیوند به انسان های مسلمان نیازمند اعلام نماید؟

بلی می تواند، به شرط این که مرگ مغزی، مرگ شخص محسوب شود (به شرحی که در فوق ذکر گردید).

5- آیا در موارد جواز قطع اعضا دیه ثابت است یا ساقط می شود؟
اگر خود در حال حیات وصیت کرده باشد بعید نیست که دیه ساقط شود، ولی اگر وصیت نکرده است دیه ثابت است.

6- در صورت ثبوت دیه، پرداخت آن بر عهده کیست؟ پزشک یا بیمار؟
ذاتاً به عهده پزشک که مباشر این عمل است می باشد، ولی او می تواند با قرار قبلی از بیمار بگیرد یا از بیت المال با نظر فقیه پرداخته شود.

7- موارد مصرف دیه مذکور کدام است؟

هر آسیبی که به بدن میّت بعد از مرگ وارد می شود و موجب دیه می گردد باید در راه خداوند صرف و ثواب آن به میّت می رسد و این امر نیز باید با نظر فقیه انجام شود. اگر حفظ جان مسلمانی بر پیوند عضوی از اعضای میّت مسلمانی موقوف باشد، قطع آن عضو و پیوند آن جایز است و دیه آن هر چند بر طبیب که آن عضو را قطع کرده است تعلق می گیرد، ولی می تواند با مریض قرار بگذارد که آن را از مریض گرفته به ورثه میّت بدهد. و اگر حفظ و یا سلامت عضوی از اعضای مسلمان موقوف بر قطع عضو میّت باشد، در این صورت اگر آن میّت در حال حیات خود این اجازه را داده که پس از مرگ آن عضو را از بدن او قطع کرده به آن مریض پیوند بزنند بعید نیست که دیه نداشته باشد و برای او هم در حال حیات دادن چنین اجازه ای جایز باشد.

ولی اگر در حال حیات چنین اجازه ای نداده است اولیای او نمی توانند بعد از مرگش اجازه بدهند، اما بعید نیست که فقیه به حکم ولایتی که دارد بتواند این اجازه را بدهد؛ البته باید انجام این قبیل کارها - چنان که گفته شد - با نظر فقیه و با ضوابطی که از طرف او تنظیم می شود صورت بگیرد و دیه هم باید از مریض گرفته شده به ورثه داده شود.

و اگر عضو بدن میّت غیرمسلمان به بدن مسلمان پیوند زده شد و جزء بدن مسلمان گردید به طوری که حیات پیدا کرد، در این صورت دیگر نه تنها نجس و میته نیست، بلکه پاک است و نماز خواندن با آن هم اشکال ندارد، و هم چنین اگر عضو حیوان نجس العین (مانند سگ و خوک) نیز پیوند شود از عضویت حیوان خارج می شود و به عضویت بدن انسان در می آید.

در مواردی که قطع عضو به منظور پیوند زدن جایز است، فروش آن عضو نیز جایز است و ظاهر این است که شخص می تواند در حال حیات عضو بدن خود را بفروشد که پس از مرگ او از آن برای پیوند زدن استفاده کنند، بلکه جواز فروش تمام جسم برای تشریح - در موردی که تشریح جایز است - بعید نیست؛ چنان که گرفتن مبلغی برای دادن اجازه این موضوع نیز مانعی ندارد. (1)

پاورقیها:

- 0 و مسئله ها با علامت n(1) در این قسمت سؤال ها با علامت * , جواب ها با علامت مشخص شده اند.
- (1) مجله طب و تزکیه, شماره 8, تابستان 1372, ص 91.
- (1) امام خمینی, رساله توضیح المسائل, ص 548 به بعد.
- (1) محمد تقی بهجت, رساله توضیح المسائل.
- (1) میرزا جواد آقابریری, صراط النجاة فی اجوبة الاستفتائات, ص 552 به بعد.
- (1) سید محسن طباطبائی حکیم, رساله توضیح المسائل.
- (1) ر.ک: مجله طب و تزکیه, شماره 8, تابستان 1372, ص 91.
- (1) استفتا توسط نگارنده.
- (1) سیدعلی خامنه ای, پزشکی در آینه اجتهاد (استفتائات پزشکی) ج 1, ص 145 تا 149.
- (1) همان, ص 10.
- (1) همان, ص 68.
- (1) همان, ص 138 و 139.
- (1) مجله طب و تزکیه, شماره 8, تابستان 1372, ص 111.
- (1) مجموعه مقالات سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی, ص 510 - 514.
- (1) سید ابوالقاسم خوئی, رساله توضیح المسائل, مستحدثات المسائل, مسئله 36 - 42.
- (1) باید توجه داشت فرض سؤال ها با هم در تضاد است و حالت آسیب مغزی غیر از مرگ مغزی است.
- (1) لطف الله صافی گلپایگانی, استفتائات پزشکی, ص 77 و 78.
- (1) یوسف صانعی, رساله توضیح المسائل, ص 483 و 484.
- (1) سید محمد رضا گلپایگانی, مجمع المسائل, ج 3, ص 243.
- (1) همان, رساله توضیح المسائل, ص 487.
- (1) استفتا توسط نگارنده.
- (1) حسینعلی منتظری, رساله استفتائات.
- (1) حسین نوری همدانی, رساله توضیح الم